توافق هسته‌ای؛ از اراده تا عمل

تیر 15, 1393
توافق هسته‌ای؛ از اراده تا عمل

صادق زیباکلام

بعید به نظر می‌رسد که میان هموطنانمان کسی باشد که هنوز متوجه حساسیت مذاکرات 21روزه سرنوشت‌ساز هسته‌ای -که از روز پنجشنبه در «وین» آغاز شده- نشده باشد. برای درک اهمیت این مذاکرات، کافی است به تیم مذاکره‌کنندگان آمریکایی نگاهی بیندازیم. آمریکایی‌ها از نظر تعداد، بیشترین افراد را به «وین» اعزام کرده‌اند. 17 نفر از مسوولان ارشد کاخ سفید به علاوه یک، دوجین کارشناس و متخصص، ستون فقرات آمریکایی‌ها را تشکیل می‌دهند. شاید تصور کنیم همه کارشناسان، متخصصان تسلیحات و امور هسته‌ای هستند. این حرف البته درست اما ناقص است چراکه شماری از اعضای ارشد تیم آمریکایی را نه متخصصان هسته‌ای بلکه کارشناسان امور مالی و بانکی تشکیل می‌دهند. این نشان می‌دهد آمریکایی‌ها چقدر جدی به این مذاکرات و نتیجه‌بخش‌بودن آن می‌نگرند که از حالا رفته‌اند برای مرحله بعد از توافق «وین». یعنی گام دوم که دربرگیرنده چانه‌زنی، تصمیم‌گیری و توافق روی رفع تحریم‌هاست. در راس همه تحریم‌ها، دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در بانک‌های اروپایی، آمریکایی و آسیایی است. دست‌کم 120میلیارددلار از دارایی‌های ایران به واسطه تحریم‌ها در حساب‌های این بانک‌ها مانده است. بعد از جریمه سنگین هشت‌میلیارددلاری بزرگ‌ترین بانک فرانسه از سوی دادگستری ایالات‌متحده به واسطه نقض تحریم‌های ایران، کره‌شمالی و سوریه که هفته گذشته صورت گرفت به نظر می‌رسد شرایط برای بانک‌ها و موسسات مالی در مورد دارایی‌های ایران که در حساب‌هایشان است، بسیار سخت‌تر شده است. به همین دلیل است که آمریکایی‌ها متخصصان و کارشناسان مالی و بانکی را هم با خود به «وین» برده‌اند تا با کمک مقامات ایرانی بتوانند به یک فرمول و ترتیبی برای آزادکردن تدریجی دارایی‌های ایران برسند. آنچه کل قضیه را پیچیده می‌کند این است که بخشی از تحریم‌ها در دست قوه مجریه و اوباماست اما بخش‌های دیگر توسط کنگره به تصویب رسیده و در نتیجه رییس‌جمهور نمی‌تواند دخل‌وتصرفی در آنها داشته باشد. کنگره هم به مرور زمان و در صورت پیشرفت توافقات نهایی، شروع به برداشتن تحریم‌ها خواهد کرد. البته این فقط شمار بالای مقامات ارشد آمریکایی در «وین» نیست که اهمیت مذاکرات را

نشان می‌دهد. تعیین زمان 21 روز مداوم برای مذاکرات، نه‌تنها کم‌سابقه که بی‌سابقه است. نفس تعیین سه هفته مذاکره، مبین آن است که دو طرف، عزم و اراده جدی برای رسیدن به توافق دارند. اگرچه همه شواهد و قراین از حصول توافق حکایت دارد؛ اما به‌هرحال هیچ تضمینی نیست که توافق قطعی باشد. اما چرا اینقدر موضوع هسته‌ای ما پیچیده شده است و چرا نیاز به صدها ساعت مذاکره پیدا کرده، ضمن آنکه ظرف قریب به یکسال گذشته هم بدون اغراق، صدها ساعت مذاکره صورت گرفته است؟ این سوال زمانی معنادارتر می‌شود که می‌دانیم دست‌کم، هم دولت جدید ایران و هم کاخ سفید به جد خواهان حصول توافق هستند. غربی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها حاضر شده‌اند در اصول و با وجود هشدارها و زنهارهای جمهوریخواهان تندرو به علاوه اسراییلی‌ها و طرفداران با نفوذ آنان در ایالات‌متحده، به ایران اطمینان کنند که سودای تولید سلاح هسته‌ای نداشته و فعالیت‌های هسته‌ای آن صرفا به‌دنبال مقاصد غیرنظامی است. اما آنها در عین حال عنوان می‌کنند ممکن است در آینده‌ای دور، ایران تغییر عقیده داده و بخواهد به سمت تولید تسلیحات هسته‌ای برود. به‌واسطه این موضع، آمریکایی‌ها اصرار دارند که توان هسته‌ای ایران به اندازه‌ای تقلیل یابد که اگر در آینده به‌سمت دیگری برود، زمان زیادی لازم باشد. به تعبیر خانم وندی شرمن، دستیابی به هدف استراتژی «فعالیت هسته‌ای ایران آری؛ اما محدود و کنترل‌شده»، در لفظ آسان است اما در عمل بسیار پیچیده و دشوار.

اولین مشکل این رویکرد، ایستادگی طرف ایرانی است. ایران به‌طور طبیعی؛ می‌خواهد، طرف غربی ادعای ما را مبنی بر اینکه سودای ساخت سلاح هسته‌ای نداریم، پذیرفته و در نتیجه بتواند در چارچوب قوانین و پادمان‌های بین‌المللی به فعالیت هسته‌ای‌اش در ابعاد و میزانی که می‌خواهد ادامه دهد. «آژانس» هم نظارت‌ها و بازرسی‌های معمول را اعمال کند.

در عین حال، ایران حاضر شده برای دادن اطمینان به غربی‌ها که واقعا سودای تولید سلاح هسته‌ای ندارد، گام‌هایی بردارد؛ حاضر شده حجم فعالیت‌های هسته‌ای را نه برای همیشه، بلکه در یک محدوده زمانی مشخص، کاهش دهد؛ حاضر شده تعداد سانتریفیوژهایش را موقتا کاهش داده و به‌دنبال نصب مدل‌های پیشرفته‌تر نرود؛ حاضر شده حجم اورانیوم غنی‌شده‌اش را پایین بیاورد؛ حاضر شده تا تغییراتی در رآکتور آب‌سنگین اراک بدهد تا پلوتونیوم حاصل از آن آنقدر کم شود که دست‌کم بین 15 تا 20 سال زمان نیاز باشد تا مقدار آن به

اندازه‌ای برسد که بتوان با آن سلاح هسته‌ای ساخت و تصمیماتی ازاین‌دست. مشکلات هم دقیقا از همین‌جا شروع می‌شود. غربی‌ها طبعا خواهان آن هستند که تعداد سانتریفیوژهای ایران آنقدر کاهش یابد تا آنان به یک ضریب اطمینان‌بخش دست یابند.

ایران برعکس می‌خواهد تعداد دستگاه‌های غنی‌سازی، بیشتر باشد. ایران می‌خواهد حجم اورانیوم غنی‌شده خیلی کاهش پیدا نکند درحالی‌که طرف غربی نگاه دیگری دارد. ایران می‌خواهد روی نسل جدید سانتریفیوژها تحقیق کند. نکته اساسی آن است که غرب همان‌طور که اشاره کردیم حاضر شده فعالیت‌های هسته‌ای ایران ادامه یابد اما همان‌طور که گفتیم محدود و بسیار کنترل‌شده. ایران اما ضمن آنکه حاضر به برداشتن گام‌های جدی برای اعتمادسازی شده، درعین‌حال هم می‌خواهد فعالیت‌های هسته‌ای‌اش به‌طور نرمال و طبیعی ادامه یابد.

خاکریز بعدی تحریم‌هاست. همان موضوعی که آمریکایی‌ها برای حل‌وفصل آن، یک دو جین کارشناس مالی و بانکی را همراه تیم مذاکره‌کننده خود کرده‌اند. خلاصه گفته باشیم در اینجا هم همان مناقشه حداقلی و حداکثری وجود دارد. ایران می‌خواهد تحریم‌ها در حداقل زمان ممکن لغو شوند درحالی‌که غربی‌ها هیچ عجله‌ای برای لغو تحریم‌ها نداشته و برای حصول اطمینان، تمایل دارند تا در یک بازه زمانی طولانی، تحریم‌ها برداشته شود. ایران سخن از پنج سال می‌کند درحالی‌که غربی‌ها از 15 و حتی 20سال صحبت می‌کنند. به علاوه همان‌طور که گفتیم بخش عمده‌ای از تحریم‌ها توسط کنگره وضع شده و مکانیزم دشوار و پیچیده‌ای برای برچیده‌شدن دارد.

ای‌کاش آنان که تحریم‌ها را «کاغذپاره» می‌پنداشتند، کمی به عاقبت کار می‌اندیشیدند. می‌ماند اینکه چه چیزی سبب می‌شود انسان به صعود و گذر دو طرف از این کوه بلند اختلافات و تفاوت‌ها امیدوار باشد؟ بیش از یک دهه است دو طرف نتوانسته‌اند به فصل مشترکی برسند و پرونده هسته‌ای همچنان باز مانده است. آنچه باعث امیدواری نسبی می‌شود- که شاید در انتهای این تونل بلند 21روزه بتوان روزنه امیدی را مشاهده کرد- به‌وجودآمدن اراده قوی در طرف آمریکایی و ایرانی برای توافق است. بنابر دلایلی که تشریح آن نیازمند نوشتار طولانی دیگری خواهد بود، هم تهران و هم واشنگتن به جد و واقعا به‌دنبال رسیدن به توافق هستند. طبیعی است که به‌واسطه وجود مخالفان توافق هم در تهران و هم در واشنگتن، طرفین می‌خواهند امتیاز کمتری بدهند اما آنچه باعث امیدواری می‌شود فضای گرم‌تر، ادای احترام متقابل میان دو طرف بعد از نزدیک به 34سال و سرانجام

یکدیگر را در نه قامت دشمن که در قالب دو رقیب دیدن است. 21روز نفسگیر، باید صبر کنیم تا ببینیم آیا این تغییرات واقعا اتفاق افتاده یا صرفا خوشخیالی و امیدواری به اتفاقافتادن آن است.

روز نو